



متیو بارنی، تلیفیک فیلم، نقاشی، عکاسی و مجسمه سازی هر کسی ساخته نشده است



River of Fundament کار کرد. بارنی می گوید: «من تقریباً برای ساخت آن، در خود فیلم و داستان غرق شدم و یک بار هم راه خودم را گم کردم و از نو شروع کردم. البته این راهم باید بگویم که خودم میله هم سه بار تم داستان را گم کرده و از اول آغاز کرده ام.»

در مورد تم مصری و باستانی اثر باید گفت میله ماهه در مصر به سر برد و از تمام مکان های باستانی دیدن کرد، در کنایه ها دربار اسطوره ها مطالعه کرد تا آن که رمان را تکمیل کرد. بارنی هم اگر چه به مصر نرفت اما مدت ها در کنایه ها علاوه بر خواندن رمان میله، تمام کتاب هایی را که به نوعی با آن در ارتباط بود، مطالعه کرد. در انتخاب بازگران دقت زیادی به خرج داد و ماه ها بر روی چگونگی روایت و برداشت در سینما کار کرد.

در فیلم صحنه هایی وجود دارد که واقعا فیلم گرفتن از آن ها بسیار مشکل بود. مثلاً عضوی از بدن مردی در بین فضولات باید گیر می کرد، یا زنی باید موتور اتومبیلی را در آغوش می گرفت و یا دو مرد بایستی در بین فضولات گاوی غلت می زدند. تمام این صحنه ها باعث می شد تا مدت ها به چانه زنی با بازگران بگذرد و به گونه ای آن ها را برای چنین کارهایی راضی کنند. برخی از صحنه های نیز باید فیلمبرداری می شد که در حقیقت برخی از کشورهای صنعتی و لیبرال هم از لحاظ قانونی با منع مواجه می شد.

از طرف دیگر علاوه بر نمایش دادن این صحنه هایی که شاید بسیار منجر کننده جلوه کنند، اما صحنه های دلتناوی هم در فیلم وجود دارند که چشم ها را نوازش می کنند و این اثر هنرمندی بارنی بر می آید. کسی که به خاطر نقاشی کشیدن، تلفیق رنگ ها را خوب بلد است و در عین نشان دادن سیاهی ها، زیبایی های مناظر را هم نشان می دهد. از سوی دیگر بارنی یک مجسمه ساز است، بنابراین گنجاندن مجسمه های باستانی در فیلم و ایجاد مناظر باستان در دوران مدرن می تواند یکی از مزیت های فیلم او باشد.

کاری که با جمع شده ها در یک مجموعه انجام داده است. البته باید توجه داشت که هفت سال زمان کمی برای خلق یک شاهکار نیست. باید دید اقبال مخاطبان و منتقدان به هنگام اکران چگونه خواهد بود تا ارزیابی ها در مورد بارنی و فیلمش تکمیل شود. بارنی در مورد روند ساختن فیلم می گوید: «ما یک تیم بودیم. در واقع برای ساخت این پروژه که تلفیقی از هنر ها، یک سو و دوران ها از سوی دیگر بود، من نمی توانستم به ذهن و خلاقیت یک نفر تکیه کنم. پس باید به طور همزمان چندین نفر مراد در این کار یاری می کردند که خوشبختانه توانستم مستعدترین افراد را بیابم و از همه اعضای گروه راضی هستم. امیدوارم با استقبال از فیلم توسط مخاطبان، ماجراجو رحمت هایمان را ببینیم.»

بارنی سال هاست که در عرصه هنر فعالیت می کند و تاکنون چند نمايشگاه از آثار گوناگون خود در شهرهای مختلف بر پا کرده است. از جمله در نیویورک، آتن، ونیز، رم و سایر نقاط جهان. کارهای او که مشتمل بر عکاسی، نقاشی و مجسمه سازی است، در بین اهالی امریکا علاقه مندان بسیاری دارد. وی در سال ۲۰۰۰ موفق شد جایزه اروپا را به خاطر فعالیت هنری از آن خود کند. همچنین در سال ۲۰۰۷ موفق به کسب جایزه کایسر رینگ از آلمان شد. بارنی اکنون دفتر و گالری هنری خود را اداره می کند و از همین طریق نیز بودجه ساخت فیلم هایش را تأمین می کند. او اکنون ۴۷ ساله است.

متیو بارنی فیلمسازی است که به خاطر کارهای عجیب و بزرگش و سوزناکی از هر چیزی که در اطراف ما وجود دارد، مشهور است. تلفیق سنت و مدرنیته، ساخت اشکال غریب از اشیای بی جان، در هم ریزی رنگ ها در نقاشی و عکاسی و وارد کردن سایر هنرها در هنر هفتم، همه و همه گوشه ای از قابلیت های او در عرصه هنر است.

استودیو و کارگاه هنری او در خیابان لانگ آیلند سیتی است. جایی که صنعت و خودروسازی در آن موج می زند و جالب این که دفتر کار او فضایی کلاسیک دارد و تقریباً از همه مظاهر تمدن پورژوازی به دور است. چند عکس بر دیوار از دوران دبیرستان و دانشگاه که نشان می دهد بارنی فوتبالیست و کشتی گیر بوده و یک میز و چند صندلی ساده، همه آن چیزی است که در دفتر به چشم می خورد. فردی مودب و آرام با چشمانی نورا و گیرا که نشان از درونی آرامش بخشش دارد. فیلم جدید او یک کار تلفیقی استثنایی است. سینما، موسیقی و نقاشی در نظمی مثال زدنی در کنار هم قرار گرفته اند تا بتوانند شاهکار بسازند.

River of Fundament جدیدترین کار او و فیلمی اپرایی است و با همکاری جان اتان بلیر که وظیفه آهنگسازی را بر عهده داشته، ساخته شده است. کاری که بارنی سال های زیادی برای خلق آن صرف کرده است و بسیاری از نامهربانی های منتقدان و ژورنالیست های بی را که بدون این که فیلم را ببینند، نسبت به آن خرده گیری می کردند، تحمل کرده است.

River of Fundament چشم اندازی روان از کلمات و موسیقی، سیلان حیوه و گوگرد در راه احتراق، تصویر آهن در آب، جریان خون و خشم زندگی است که به تصویر رودخانه های آلوده در امریکا و نمایی استعاره وار از مرگ یک ماهی در رودخانه فرمونت می پردازد. رودخانه هایی که نمادی از دنیایی است که انسان ها در آن در بین صنعت و فزات جان می کنند.

این فیلم بر اساس رمانی به نام «غروب های باستان» ساخته شده که نورمن میله در سال ۱۹۸۲ آن را نوشت. فیلم اساطیر مصر باستان را به امریکای مدرن وصل می کند. چیزی که مربوط به مرگ ارزش ها، ظهور صنعت و نابودی خلاقیت سنتی در این مواجهه است. موسیقی فیلم در خانه اپرایی موبیچ، آتلانتا و آکادمی موسیقی پروکلین به صحنه رفت و تحسین های بسیاری را برانگیخت. اما علاوه بر آن، منتقدان را نیز ساکت نگذاشت. منتقدان نسبت به آن واکنش های سردی نشان دادند. بسیاری از آنان معتقد بودند فیلم، داستان را زیادی دچار پیچیدگی کرده و از روانی آن کاسته است. ضمن این که نمای مدرنیته را به طرز اغراق آمیزی سیاه جلوه داده است. در پاسخ به این انتقادات هم بارنی گفته است: «فیلم برای هر کسی نیست.»

در ابتدای داستان، نورمن میله، فضولاتی را نمایش می دهد که از رودخانه زیر یک ساختمان حرکت می کنند و همین بین مایه شکل گیری داستان می شود و این که منشأ این فضولات از کجایی می تواند باشد. سرخ را دنبال می کند تا این که می رسد به مدرنیته و کارخانه های صنعتی و اکت ماشین برای قرن حاضر. در این فیلم بازگرانی چون الین استرینج، جفری یوگنیدس، دیک کاوت و لارنس وایتز حضور دارند. جالب است که نقش اصلی را پسر خود نویسنده یعنی جان بوفالو میله بازی کرده است. این خود میله بود که به بارنی پیشنهاد کرد رمانش را بخواند. زمانی به او این پیشنهاد را داد که بارنی او را برای اولین نمایش فیلمش، **۲ cremaster** در سال ۱۹۹۹، که بازگر نقش اول آن هری هودینی بود، دعوت کرد. بارنی در ابتدا مشکوک بود. بیشتر قسمت های رمان میله بر گرفته از «کتاب مرگ مصری» بود. بارنی می گوید: «تلاش می کردم تا رمان را به سمتی هدایت کنم که می خواستم و چشمت را به سمت کاری که قرار بود انجام دهم، ببرم. اما در اواسط کار به مشکل برخوردیم. این مشکل همیشگی من است که اغلب بین آن چیزی که دوست دارم و آن چیزی که از آن متنفرم، گیر می کنم. اما باید با برخی از بخش ها که دوست نداشتم کنار می آمدم. مدتی را در بی توجهی سپری کردم اما به طور اتفاقی توانستم آنچه را که دوست داشتم از آن دریابم.»

تقریباً ۱۰ سال طول کشید تا میله رمان خود را نوشت. از سوی دیگر بارنی هفت سال را بر روی

هالیوود فیلمی را اپنر با بازی می کند
هالیوود اعلام کرده است قرار است ورژن زبان انگلیسی فیلم وحشتناک ژاپنی را بسازد. تهیه کنندگان قصد دارند این فیلم جدید را بر اساس رمان ۱۹۹۷ ریو موراکامی که در سال ۲۰۰۹ به انگلیسی ترجمه شد و فیلم ۱۹۹۹ تاکاشی میکه بسازند. کارگردانی آن را ریچارد دگری، کارگردان استرالیایی بر عهده خواهد داشت. هر دو منبع (کتاب و فیلم) داستان مرئی میانسال را روایت می کنند که وارد دنیایی از درد و رنج می شود و آن زمانی است که با یک دوست جدید آشنا می شود. این مرد با پسرش تنها زندگی می کند و هفت سال است که همسر خود را از دست داده است.

ستاره گرگ و میش در یک فیلم روان شناسانه
کلان لوتز، بازیگری که به خاطر بازی در فیلم گرگ و میش شناخته می شود، قرار است در فیلم تجربه گرگ، که ز ندکیانصاهای درباره روان شناس میکلرام است، نقش ویلیام شاتنر را بازی کند. تجربه معروف میکلرام در این است که در سال ۱۹۶۱ موضوع شک های الکتریکی و استفاده از آن مطرح شد و بسیاری از مردم عادی نسبت به این نوع از درمان اعراض نشان دادند. شاتنر که امسال در چند نقش دیگر نیز از جمله فیلم افسانه هرکول، مصر فیدران و توپالیبت بازی می کند، در این فیلم نیز بازی خواهد کرد تا سالی پرکار برای خود رقم بزند. کارگردان این فیلم مایکل آلمریداست.

فیلم روز

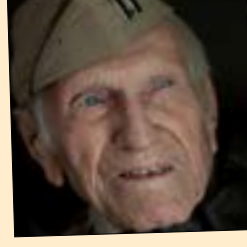
تامی، طنزی درجه دو یا طنزی عامه پسند



میلیساک کارتی از زمان بازی اش در فیلم «ساقشوس ها» در دنیف نقش های کلیدی در فیلم ها قرار گرفته است. آخرین فیلمش را خودش هم نویسنده گی کرده است. تامی، فیلمی است که مک کارتی هم بازیگر است و هم در کنار همسر خود که کارگردانی را بر عهده دارد، به عنوان یکی از نویسندگان همکاری کرده است. تمام میمیک چهره اش از بینی گرفته تا رنگ پوست و حالت چشم ها او را برای ایفای نقشش آماده کرده است. ضمن این که بازی فوق العاده اش هنگامی که از خشم اشک می ریزد، دیدنی است. این حالات او در این فیلم، احتمالاً ما را به یاد نقشش در فیلم **The Nines** ساخته رابین رینولد بیلدازد که همین مهارت بازیگری را از خود به نمایش می گذاشت. نقش تامی را او بازی می کند. کاراکتری که شاید نامش نیاز به توضیح داشته باشد. تامی به کارگران بقیه آبی گفته می شد که بعدها شرکتی نیز به نام تامی ویت تأسیس شد. اما در اینجا کلاهبرداری و دزدی بیشتر با شخصیت تامی و مک کارتی دمساز می شود. تامی بعد از این که اتومبیل تویوتای کورولایش متلاشی می شود و خسارت زیادی می آورد، کارش را هم در یک فست فود که مسئول رساندن غذا بوده از دست می دهد. از سوی دیگر مشکل دیگری هم برایش پیش می آید. صاحب کارش می گوید که او امضایش را جعل کرده است. هر چند تامی می گوید آن امضای یکی از مشتریان بوده که اولین بار از مغازه خرید کرده است. در بازگشت به خانه او ناخواسته کشف می کند که شوهرش، جت (نت فاکسون) با همسایه شان، میسی (تونی کالت) جر و بحث مفصلی به راه انداخته است. چیزی از این ماجرا نگذشته که تامی توسط مادر بزرگ الکی خود به یک سفر دعوت می شود که قرار است تامی، مادر بزرگ را به خانه یکی از فرزندانش ببرد. در راه آنان با ماجراهای شگفت انگیزی مواجه می شوند که از هر کدام تجربه ای کسب می کنند. همه بازیگران فیلم از ۴۳ سال به بالا هستند؛ یکی ۴۳ ساله، یکی ۵۴ ساله و دیگری ۶۷ سال؛ نمادی از سه نسل متفاوت از زمان امریکایی. شخصیت تامی بسیار بازمه و شوخ است. به خصوص با آن استیل تیل و چاق همراه با صدای نازک گوشخراش، باشوخی ها و مسخره بازی ها در طول سفر، هم به مادر بزرگ و خودش خوش می گذرد و هم این که فیلم را برای بیننده تماشا می کند. او لحظه های خوشی را با سارلندون سپری می کند به خصوص زمانی که آن ها به طور ناخواسته و اتفاقی وارد یک باند می شوند. وقتی مادر بزرگ در مورد یک برنامه تلویزیونی صحبت می کند و نظر تامی را می خواهد، تامی علی رغم این که هیچ چیز از تلویزیون و سینما و افراد مشهور نمی داند، اما شروع می کند به توضیح دادن در مورد این مسائل و آوردن مستندات که هرگز به گوش کسی نخورده و به این ترتیب هم تعجب مادر بزرگ را بر می انگیزد و هم این که به عنوان مسئول باند انتخاب می شود. مک کارتی با این بازی خود نقشی را ایفا کرده است که به نظر می رسد تنها نقشی است که می تواند ایفا کند، در آینده باید دید آیا می تواند در نقشی به جز طنز هم بازی کند یا خیر. تامی، دوم و چهارم جولای در امریکا و بریتانیا اکران شده است.

خبر روز

لوتیس زامپیرینی از قهرمان مسابقات دو تا قهرمان جنگ جهانی دوم



زامپیرینی سربازی بود که اخیراً با مرگش در ۹۷ سالگی، بسیاری از رسانه های جهان از او به عنوان یک قهرمان بین المللی یاد کردند و به افتخارات وی پرداختند. یکی از پرفروش ترین کتاب های سال ۲۰۱۰ مربوط به بررسی خاطرات او در طول جنگ و زندگی در اسارت او بود. در سال ۲۰۱۰ لارا هیلنبراند کتابی در مورد تجارب او در جنگ نوشت که بهترین فروش کتاب سسال را از خود ساخت. فروش گسترده این کتاب باعث شد تا آنجلینا جولی تصمیم به ساخت فیلمی درباره زندگی او بگیرد. در این فیلم جک او کونل در نقش زامپیرینی ظاهر خواهد شد. شکسته نشده نام این فیلم است که قرار است طی ۶ ماهه دوم سال بر روی پرده سینماها قرار بگیرد. تهیه کننده فیلم، مت بییر از خاطرات خود با زامپیرینی و این که چگونه وی الهام بخش او در تهیه این فیلم شد، می گوید: «این سؤال همیشه از زمانی که زامپیرینی را می شناسم، برای من مطرح بوده که چگونه می شود زندگی طولانی او را در قالب فیلم در آورد و اکنون خوشحالم که با کمک برادران کونن و آنجلینا جولی ما موفق به این کار شده ایم تا صحنه ای از تاریخ را که ممکن بود به فراموشی سپرده شود، در سینما زنده کنیم. ما می دانستیم که داستان زندگی او افراد زیادی را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار خواهد داد. من یکی از طرفداران او هستم و او همیشه برای من یک قهرمان بوده است. به این افتخار می کنم که مدتی از زندگی او را در دوستی با او گذرانده ام و فیلمی در مورد او ساختم. دلم برایش تنگ خواهد شد.» لوتیس زامپیرینی یکی از دوندگان مسابقات المپیک بود که در سال های جنگ به صورت داوطلبانه به خدمت نظام درآمد و به جنگ با فاشیست ها رفت. در حمله هوایی و بمباران آقیانوس آرام جان سالم به در برد و چند هفته آواره بود و نهایتاً اسیر شد و سال ها در زندان قانیشته ها زندگی کرد. در ادامه، ۵ مورد از وقایع زندگی او آورده شده که می توان زامپیرینی را با آن ها بیشتر شناخت:

مسابقات المپیک
زامپیرینی در مدرسه دوندگ اصلی تیم مدرسه اش بود، بعداً در دانشگاه کالیفرنیا جنوبی نیز دوندگ تیم دانشگاه شد تا این که سرانجام در المپیک ۱۹۳۶ برلین به همراه تیم ملی امریکا در ماده ۵۰۰ متر در این مسابقات شرکت کرد. در این مسابقات هشتم شد اما توانست رکورد بشکند و ۵۰۰ متر را در ۵۶ ثانیه به پایان ببرد.

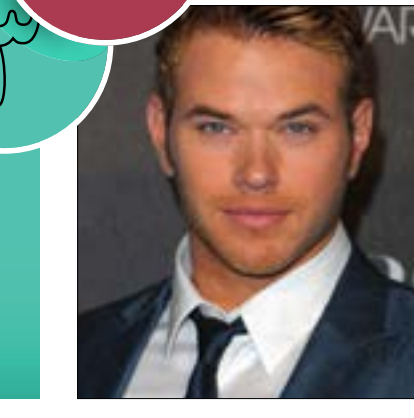
جنگ جهانی
زامپیرینی در جنگ جهانی توپچی و بمب افکن بود که هواپیمایش در سال ۱۹۴۳ در آقیانوس سقوط کرد و پس از آوارگی به دست نیروهای نازی افتاد و به عنوان اسیر گرفته شد و تا پایان جنگ در زندان های متحدین بود.

زنرال بزرگ
چندی پیش نیروی هوایی او را به عنوان یکی از زنرال های بزرگ کشور معرفی کرد و این نشان افتخاری را به او اعطا کرد. اما وی چند روز پیش از آن درگذشت. ۴- یکی از پرفروش ترین کتاب های ایالات متحده مربوط به زندگیمانها وست که در سال ۲۰۱۰ توسط لارا هیلنبراند نوشته شد.

کلاه UCS
زامپیرینی همیشه عادت داشت کلاه UCS بر سر بگذارد که هیچ گونه لبه ای نداشت و سربازان در جنگ جهانی از آن استفاده می کردند. بسیاری این کلاه را با نام او می شناسند.

استفاده از عینک گوگل در سینماهای بریتانیا ممنوع شد
عینک گوگل در دست یک هفتمه پس از این که نخستین محل آن در بریتانیا در دسترس عموم قرار گرفت، در سینماها ممنوع شد. مسئولان سینماهای بریتانیا اعلام کرده است: «از این پس هیچ یک از حضار حق استفاده از این تکنولوژی جدید را در سینماها نخواهند داشت و به محض این که چراغ های سالن خاموش می شود باید عینک های خود را بردارند.» همین ممنوعیت یک ماه پیش در امریکا نیز سرسری شد. عینک گوگل یک قطعه سخت افزاری جدید است که در بین کوچکی در آن تعبیه شده تا فعالیت های افراد را در مواقع مختلف ضبط کند. به خصوص این تکنولوژی در زمان استفاده از اینترنت و برای نشان دادن اطلاعات مفید، مفید فایده است.

جیمز باند هم به مرز گشدهای پیوست
بازیگر سابق جیمز باند، پیرس برازنان، بازیگر معروف دیگری است که به جمع سایر اکتشن یازان مشهور در فیلم بزرگشده ها ساخته سیلوستر استالونه می پیوندد. سری سوم این فیلم که به زودی فیلمبرداری می شود، از برازنان نیز دعوت کرده تا ایفای نقش کند. او برای بازی در این فیلم با آوی لرتنر تهیه کننده فیلم صحبت کرده است: «به آوی لرتنر گفتم اگر فیلمنامه خوبی داشته باشید می توانم روی من هم حساب کنید. بهر حال فیلم جای بازی نشسته هست و من مدت هاست که خود را از جیمز باند بودن باز نشسته کرده ام.» سری های قبل این فیلم با حضور اکثر بازیگران اکتشن، از جمله: استالونه، استانتام، جت لی و... ساخته شده بود.



کوتاه از چهار گوشه دنیا